

## رابطهٔ وسوسه مصرف مواد و سوگیری توجه: مقایسه افراد وابسته به مواد افیونی، مبتلا به عود و ترک کرده

مهدیه رحمانیان\*، دکتر سید احمد میرجعفری\*\*، جعفر حسنی\*\*\*

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین وسوسه مصرف مواد و سوگیری توجه در افراد وابسته به مواد افیونی، مبتلا به عود و ترک کرده انجام شده است.

**روش:** در این بررسی که از نوع پس‌رویدادی است، سی مرد وابسته به مواد افیونی، ۳۰ مرد مبتلا به عود و ۳۰ مرد ترک کرده با دامنه سنی ۱۸ تا ۶۰ سال که بر پایه متغیرهای سن، میزان تحصیلات و نوع ماده مصرفی هم‌تاسازی شده بودند، به کمک پرسش‌نامه عقاید وسوسه‌انگیز و آزما به پروب‌دات ارزیابی شدند.

**یافته‌ها:** میزان وسوسه دارای همبستگی منفی و معنی‌دار ( $p < 0/01$ ) با زمان واکنش نسبت به واژه‌های مربوط به مواد بود که این یافته گویای وجود همبستگی بین میزان وسوسه و سوگیری توجه است. هم‌چنین سه گروه از نظر میزان وسوسه با یکدیگر تفاوت معنی‌دار داشتند ( $p < 0/001$ ).

**نتیجه‌گیری:** در افراد وابسته به مواد افیونی، بین میزان وسوسه و سوگیری توجه، همبستگی وجود دارد.

**کلیدواژه:** وسوسه، سوگیری توجه، وابستگی به مواد، مواد افیونی

### مقدمه

به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در تداوم وابستگی، سوء مصرف و عود نقش دارد (ووگل سپروت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵، به نقل از فرانکن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ دراموند<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ کیلن<sup>۴</sup> و فورتمن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ مک‌کی<sup>۶</sup>،

یکی از تجربه‌های وابستگی به مواد، وسوسه<sup>۱</sup> است (آنتون<sup>۲</sup>، موآک<sup>۳</sup> و لاتام<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶؛ کوستن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲) که

\*دانشجوی دوره دکترای روان‌شناسی بالینی دانشگاه دهلی. رفسنجان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی رفسنجان، دانشکده پرستاری و مامایی،

E-mail: mahdiehrhmn@yahoo.com

مرکز مشاوره. فاکس: ۰۳۹۱-۵۲۲۵۷۳۲ (نویسنده مسئول).

\*\* دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، دانشگاه شیراز.

\*\*\* دانشجوی دوره دکترای تخصصی روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

- |              |             |                 |
|--------------|-------------|-----------------|
| 1- craving   | 2- Anton    | 3- Moak         |
| 4- Latham    | 5- Kosten   | 6- Vogel-Sportt |
| 7- Franken   | 8- Drummond | 9- Killen       |
| 10- Fortmann | 11- McKey   |                 |

حضور وسوسه مواد باشد (مودل<sup>۲۵</sup>، گلاسر<sup>۲۶</sup>، سیر<sup>۲۷</sup> و مونتر<sup>۲۸</sup>، ۱۹۹۲؛ فرانکن، دهان<sup>۲۹</sup>، واندرمیر<sup>۳۰</sup>، هافمن<sup>۳۱</sup> و هندریکر<sup>۳۲</sup>، ۱۹۹۹؛ رید<sup>۳۳</sup>، میکالیان<sup>۳۴</sup>، دلوچی<sup>۳۵</sup>، هال<sup>۳۶</sup> و برگر<sup>۳۷</sup>، ۱۹۹۸). فرانکن و همکاران (۲۰۰۰) در بررسی رابطه بین افکار وسواسی درباره کوکائین، مصرف کوکائین و سوگیری توجه نسبت به واژه‌های مرتبط با کوکائین نشان دادند که میل به مصرف پس از آزمایش به‌طور مثبت با زمان واکنش نسبت به نشانه‌های مرتبط با دارو همبستگی دارند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی دو فرضیه انجام شده است: ۱- بین سوگیری توجه نسبت به محرک‌های مربوط به مواد و وسوسه همبستگی وجود دارد. ۲- میزان وسوسه در افراد وابسته به مواد افیونی، افراد مبتلا به عود و افراد ترک کرده متفاوت می‌باشد.

## روش

پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی است. آزمودنی‌ها در سه گروه افراد وابسته به مواد افیونی، افراد مبتلا به عود و افراد ترک کرده، بررسی شدند. جامعه آماری مردان بستری و سرپایی وابسته به مواد افیونی و افراد مبتلا به عود آن بودند که طی ماه‌های شهریور تا بهمن ۱۳۸۲ به مراکز بازپروری دولتی و خصوصی شهر شیراز مراجعه کرده و بستری شده بودند. از بین این افراد ۳۰ نفر افراد وابسته به مواد افیونی و ۳۰ نفر افراد مبتلا به عود انتخاب شدند. این گروه‌ها بر اساس تشخیص روانپزشک و هم‌چنین، مصاحبه بالینی نیمه‌ساختاریافته بر پایه معیارهای تشخیصی DSM-IV توسط دو نفر کارشناس ارشد روانشناسی بالینی انتخاب شدند. افراد وابسته به مواد افیونی، دارای ملاک‌های DSM-IV برای این اختلال بوده، هنوز

۱۹۹۹؛ اوریت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). دراموند (۲۰۰۰)، به نقل از فرانکن، ۲۰۰۳) وسوسه را به معنی خواستن<sup>۲</sup>، تکانه‌ها<sup>۳</sup>، تمایلات<sup>۴</sup>، نیاز<sup>۵</sup> یا اجبار برای مصرف دانسته است. وسوسه تجربه خودآگاه تمایل به مصرف مواد است (فرانکن، کرون<sup>۶</sup>، وایر<sup>۷</sup> و جنسن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰). سازمان جهانی بهداشت، وسوسه را به‌عنوان زیربنای شروع وابستگی به مواد، از دست دادن کنترل و عود دانسته است. البته برخی بررسی‌ها در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نشان داده‌اند وسوسه مقدمه عود نیست و لزوماً منجر به عود نمی‌شود (تیفانی<sup>۹</sup>، ۱۹۹۰؛ دراموند، ۲۰۰۰). به هر حال، این بررسی‌ها ارتباط وسوسه با رفتار وابستگی به مواد را نفی نمی‌کنند.

بررسی‌ها نشان داده‌اند که وسوسه، توجه را در افراد وابسته مختل می‌نماید (کپدا- بنیتو<sup>۱۰</sup> و تیفانی، ۱۹۹۶؛ سایت<sup>۱۱</sup> و هوفورد<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۴؛ سایت، مونتی<sup>۱۳</sup> و روهنسو<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۴). سوگیری توجه<sup>۱۵</sup> به‌عنوان مؤلفه شناختی وسوسه در نظر گرفته می‌شود و یا ممکن است مسئول وسوسه باشد (واترز<sup>۱۶</sup> و فیرابند<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۰؛ لانگ<sup>۱۸</sup>، برادلی<sup>۱۹</sup> و کوبرت<sup>۲۰</sup>، ۱۹۹۸). با توجه به رابطه میان هیجان‌ها (وسوسه) و شناخت (سوگیری توجه) می‌توان گفت که حالت‌های هیجانی می‌توانند تمرکز و توجه را تعدیل نموده، فرآیندهای توجه نیز می‌توانند فرآیندهای هیجانی را تعدیل نمایند. هم‌چنین سوگیری توجه نسبت به نشانه‌های مربوط به مواد، عود و وسوسه را تعدیل می‌کند (فرانکن، ۲۰۰۳).

سوگیری توجه ممکن است از سه راه در مصرف مواد و عود دخالت کند. نخست، ثبات رفتارهای اعتیادی ممکن است نتیجه افزایش آگاهی از حضور نشانه‌های مربوط به مواد در محیط باشد. این فرآیند خودکار باعث می‌شود که این نشانه‌ها زودتر پردازش شوند. دوم، زمانی که نشانه‌های مربوط به مواد در محیط وجود داشته باشند، به‌طور خودکار پردازش می‌شوند و دور کردن توجه از این نشانه‌ها دشوار است. سوم، محدودیت ظرفیت توجه و تمرکز خودکار روی نشانه‌های مربوط به مواد، اختلال در پردازش سایر نشانه‌ها را در محیط کار در پی دارد (فرانکن، ۲۰۰۳).

سوگیری توجه نسبت به نشانه‌های مربوط به مواد می‌تواند فرآیند مصرف اجباری مواد را به‌دنبال داشته باشد (لوبمن<sup>۲۱</sup>، پیترز<sup>۲۲</sup>، موگ<sup>۲۳</sup>، برادلی و دیکین<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۰؛ فرانکن و همکاران، ۲۰۰۰). زمان واکنش طولانی در آزمایش‌های توجه، در حضور نشانه‌های مربوط به مواد، ممکن است بازتاب

1- Everitt	2- wanting
3- urges	4- desires
5- need	6- Kroon
7- Wiers	8- Jansen
9- Tiffany	10- Cepeda-Benito
11- Sayette	12- Hufford
13- Monti	14- Rohsenow
15- attentional bias	16- Waters
17- Feyerabend	18- Lang
19- Bradley	20- Cuthbert
21- Lubman	22- Peters
23- Mogg	24- Deakin
25- Modell	26- Glaser
27- Cyr	28- Mountz
29- de Han	30- Van der Meer
31- Haffmans	32- Hendriks
33- Reid	34- Mickalian
35- Delucchi	36- Hall
37- Berger	

بار ارایه می‌گردد؛ یک بار محرک هدف جایگزین واژه مربوط به مواد و یک بار محرک هدف جایگزین واژه خنثی می‌شود. به این ترتیب، در نیمی از کوشش‌ها، محرک هدف جایگزین واژه مربوط به مواد، و در نیمی دیگر، جایگزین واژه خنثی می‌شود. هم‌چنین در نیمی از کوشش‌ها واژه مربوط به مواد در سمت چپ و در نیمی دیگر، در سمت راست ارایه می‌شود (مگک، برادلی، فیلد<sup>۸</sup> و هوور<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳). ترتیب ارایه گروه‌ها در همهٔ آزمودنی‌ها ثابت بوده ولی ترتیب ارایه کوشش درون گروه‌ها، برای هر آزمودنی به‌تصادف انجام می‌شود.

در این بررسی زمان صرف شده، از لحظه ارایه محرک هدف (ستاره) تا فشار دادن دکمه توسط آزمودنی زمان واکنش، و زمان واکنش سریع‌تر به محرک مربوط به مواد در مقایسه با واکنش به محرک خنثی سوگیری توجه تعریف شده است؛ در این حالت زمان ارایه محرک ۵۰۰ هزارم ثانیه بود.

وسوسه به کمک نمره‌ای که آزمودنی‌ها در پرسش‌نامه عقاید و وسوسه‌انگیز به‌دست آوردند، سنجیده شد.

آزمون به کمک یک رایانه دستی<sup>۱۱</sup> با صفحه نمایش ۱۵ اینچ و قدرت تشخیص<sup>۱۱</sup> ۶۰۰×۸۰۰ پیکسل اجرا شد. در طی آزمایش، آزمایشرگر حضور پیوسته و فعال داشت، تا از بروز هرگونه پاسخ تصادفی و یا پاسخ ندادن پیش‌گیری کند. هر آزمودنی به‌صورت فردی آزمون شد. آزمودنی در فاصله ۵۰ سانتی‌متری صفحه نمایش رایانه بر روی صندلی می‌نشست و دستور کار به این صورت به آزمودنی ارایه می‌شد: دو واژه روی صفحه ظاهر می‌شد و پس از آن بی‌درنگ، جای یکی از واژه‌ها یک علامت ستاره (\*) قرار می‌گرفت که بر حسب جای ستاره، می‌بایست کلید چپ یا راست صفحه کلید فشار داده می‌شد. پس از آموزش، یک کار تمرینی ارایه می‌شد که دربرگیرنده ۲۰ کوشش بود. در این ۲۰ کوشش ۱۰ جفت واژه دو بار تکرار می‌شدند که هیچ‌کدام از واژه‌های مربوط به مواد نبودند و در آزمایش اصلی ارایه نمی‌شدند. پس از پایان تمرین، آزمودنی ۸۰ کوشش را پی‌درپی دنبال می‌کرد. هر تلاش با پدیدار شدن نقطه ثابت (+) در وسط صفحه به مدت یک ثانیه، آغاز می‌شد. پس از ناپدیدشدن نقطه ثابت، یک

اقدام به ترک نکرده بودند. معیار در نظر گرفته شده برای افراد مبتلا به عود آغاز مصرف مواد ۹۰ روز پس از سپری شدن از زمان ترک بود. افزون بر این، ۳۰ نفر از افراد ترک کرده به‌عنوان گروه گواه انتخاب شدند. این گروه از مردان ترک کرده که درمان موفق داشته‌اند و طی ماه‌های شهریور تا بهمن ۱۳۸۲ در گروه‌های شبانه معتادان گمنام<sup>۱</sup> (NA) شهر شیراز شرکت کرده بودند، انتخاب شدند. ملاکی که برای این افراد در نظر گرفته شد سپری شدن ۹۰ روز از زمان ترک آنها بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد و به‌منظور کنترل اثرات جمعیت‌شناختی، تمام گروه‌ها بر پایه سن، میزان تحصیلات و نوع ماده مصرفی (مواد افیونی) با یکدیگر هم‌تاسازی شدند.

داده‌ها به کمک ابزارهای زیر گردآوری شدند:

۱- پرسش‌نامه عقاید و وسوسه‌انگیز<sup>۲</sup> (CBQ): این پرسش‌نامه یک مقیاس خودسنجی است که عقاید مربوط به وسوسه مواد را می‌سنجد (بک، ۱۹۹۳) و دارای ۲۰ ماده است که هر کدام در یک مقیاس ۷-۱ درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) درجه‌بندی می‌شوند. برای سنجش پایایی و روایی آن یک گروه ۳۰ نفره دارای ملاک‌های وابستگی به مواد افیونی، به کمک این پرسش‌نامه ارزیابی شدند. برای بررسی پایایی، محاسبه ضریب همسانی درونی بر حسب آلفای کرونباخ (۰/۸۴) و روش تنصیف<sup>۳</sup> (۰/۸۱) به کار برده شد. با توجه به بررسی‌های انجام شده در زمینه همبستگی میزان وسوسه و سوگیری توجه نسبت به محرک‌های مربوط به مواد (مودل و همکاران، ۱۹۹۲؛ اهرمن<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۲؛ فرانکن و همکاران، ۲۰۰۰)، برای بررسی روایی این پرسش‌نامه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۸-) بر روی ۳۰ نفر به کار برده شد.

۲- آزمایه پروب‌دات<sup>۵</sup>: این آزمایه برای بررسی انتقال توجه بینایی و سنجش سوگیری توجه ساخته شده است (تونشند<sup>۶</sup> و دوکا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱). در این برنامه، مکان‌های ویژه‌ای به‌وسیله دو مربع مستطیل روی صفحه کامپیوتر طراحی شده است؛ یکی در راست و دیگری در چپ. یک نقطه مرکزی (علامت +) در وسط صفحه، به عنوان نقطه ثابت، وجود دارد. داخل مستطیل‌ها دو واژه به‌طور هم‌زمان ظاهر می‌شوند و سپس دو واژه ناپدید شده و یک محرک هدف (\*) جای یکی از واژه‌ها نشان داده می‌شود. واژه‌ها در دو گروه ۴۰ بار ارایه می‌شوند. در هر گروه، یک ترکیب از هر دو محرک دو

1- narcotic anonymous

2- Craving Beliefs Questionnaire

3- split-half

5- Prob Dot Task

7- Duka

9- Houwer

11- resolution

4- Ehrman

6- Townshend

8- Field

10- note book

**جدول ۲- میانگین و انحراف معیار زمان واکنش آزمودنی‌ها به حالت‌های گوناگون ارایه واژه‌ها**

گروه	میانگین (انحراف معیار)	کلمات محرک (۵۰۰ms)	کلمات خنثی (۵۰۰ms)	نمرات وسوسه
وابسته به مواد	۵۴۳/۹۰ (۱۴۰/۴۸)	۵۷۵/۱۳ (۱۴۶/۲۳)	۸۳/۳۰ (۲۰/۰۹)	
مبتلا به عود	۵۲۷/۱۳ (۹۵/۲۹)	۵۶۳/۹۳ (۱۰۵/۰۱)	۸۶/۴۳ (۱۹/۹۶)	
ترک کرده	۴۵۱/۱۳ (۸۹/۵۹)	۴۵۰/۷۳ (۹۳/۶۵)	۶۴/۵۷ (۱۸/۵۱)	

این بررسی نشان داد که زمان واکنش نسبت به واژه‌های مربوط به مواد در مدت ارایه ۵۰۰ هزارم ثانیه دارای همبستگی منفی و معنی‌دار ( $r = -0.28, p < 0.01$ ) و زمان واکنش نسبت به واژه‌های خنثی دارای همبستگی  $-0.17$  با میزان وسوسه است. این یافته نشان‌دهنده همبستگی میان میزان وسوسه و سوگیری توجه می‌باشد، به بیان دیگر با افزایش میزان وسوسه، زمان واکنش نسبت به واژه‌های محرک کاهش یافته و در نتیجه سوگیری توجه افزایش می‌یابد.

مقایسه میزان وسوسه در سه گروه مورد بررسی به کمک تحلیل واریانس یک‌طرفه تفاوت معنی‌داری میان سه گروه نشان داد ( $F = 10.61, df = 89, p < 0.001$ ) که این یافته در تأیید فرضیه دوم پژوهش است. برای بررسی این نکته که تفاوت دیده شده بین کدام گروه‌ها می‌باشد از آزمون تعقیبی توکی بهره گرفته شد. این مقایسه تفاوت نمرات افراد وابسته به مواد و افراد ترک کرده را معنی‌دار نشان داد ( $T = 17.73, p < 0.01$ ). هم‌چنین تفاوت نمرات افراد مبتلا به عود و افراد ترک کرده معنی‌دار بود ( $T = 21.87, p < 0.001$ ). تفاوت نمرات افراد وابسته به مواد و افراد مبتلا به عود معنی‌دار نبود.

آزمون آماری تعقیبی توکی نشان داد که دو گروه افراد وابسته به مواد ( $T = 17.73, p < 0.01$ ) و افراد مبتلا به عود ( $T = 21.87, p < 0.001$ ) دارای میزان وسوسه بالاتری نسبت به افراد ترک کرده می‌باشند و تفاوت موجود معنی‌دار است. هم‌چنین، با وجود بالاتر بودن میزان وسوسه در افراد مبتلا به عود نسبت به افراد وابسته به مواد افیونی، تفاوت موجود معنی‌دار نبود.

این بررسی هم‌چنین نشان داد که بین طول مدت ترک و میزان وسوسه همبستگی منفی و معنی‌دار وجود دارد

جفت واژه به مدت ۵۰۰ هزارم ثانیه روی صفحه پدیدار می‌گردید. هر بار، یکی از واژه‌ها در سمت راست نقطه ثابت و دیگری در سمت چپ قرار می‌گرفت. هنگامی که واژه‌ها ناپدید می‌شدند جای یکی از واژه‌ها، محرک هدف (\*) ظاهر می‌شد. محرک هدف روی صفحه باقی می‌ماند تا آزمودنی کلید را فشار دهد. اگر تا دو ثانیه آزمودنی کلید را فشار نمی‌داد جفت کلمه بعدی ظاهر می‌شد. پس از انجام این آزمون، آزمودنی به پرسش‌نامه عقاید وسوسه انگیز پاسخ می‌داد.

سنجش پایایی این ابزار با ۳۰ نفر افرادی که ملاک‌های وابستگی به مواد افیونی را دارا بودند به کمک روش بازآزمایی، ضریب همبستگی  $0.74$  را نشان داد. روایی صوری آن به کمک چند تن از استادان روانشناسی تأیید شد. داده‌ها به کمک آزمون تحلیل واریانس، آزمون تعقیبی توکی و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل گردیدند.

## یافته‌ها

در **جدول ۱** ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها بر حسب سن و میزان تحصیلات نشان داده شده است. در **جدول ۲** میانگین و انحراف معیار زمان واکنش نسبت به واژه‌های مربوط به مواد و واژه‌های خنثی در مدت ارایه ۵۰۰ هزارم ثانیه و نمره‌های وسوسه برای سه گروه آزمودنی نشان داده شده است.

**جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و مصرف مواد در سه گروه آزمودنی‌ها**

گروه	سن	میزان تحصیلات	مدت مصرف (سال)	مدت ترک (ماه)
وابسته به مواد	۳۱/۶۳ (۷/۹۷)	۹/۸۰ (۳/۷۶)	۷/۵۰ (۶/۵۱)	-
مبتلا به عود	۳۱/۷۳ (۸/۱۴)	۱۰/۰۰ (۳/۰۶)	۶/۷۷ (۴/۶۰)	۶/۷۰ (۲/۷۸)
ترک کرده	۳۱/۵۷ (۵/۷۳)	۹/۷۷ (۳/۰۱)	۹/۰۷ (۵/۳۹)	۱۱/۵۶ (۶/۳۲)

( $t=0.42, p<0.01$ )؛ به طوری که هرچه مدت ترک بیشتر باشد میزان وسوسه کمتر است.

## بحث

این بررسی همبستگی منفی و معنی داری بین سوگیری توجه و وسوسه نشان داد. به بیان دیگر هرچه زمان واکنش نسبت به واژه مربوط به مواد کمتر باشد، سوگیری توجه بیشتر بوده و در نتیجه میزان وسوسه افزایش می یابد. این یافته با یافته های پیشین هم سواست. ارتباط بین وسوسه و سوگیری توجه بر پایه الگوی تیفانی (۱۹۹۰) توجیه پذیر است. هنگامی که رفتار مصرف مواد بازدارنده شود، شخص وابسته به مواد به آن احساس نیاز می کند. بنابراین، میزان وسوسه افزایش می یابد و باعث افزایش سوگیری توجه نسبت به نشانه های مربوط به مواد می شود. از این رو، وسوسه نقش مهمی در رفتار مصرف مواد و افزایش سوگیری توجه دارد (همان جا).

در وابستگی به مواد، وسوسه بیان کننده احساس خواستن و گرایش به محرک خوشایند است و این گرایش با افزایش سوگیری توجه که خود افزایش وسوسه را در پی دارد همراه می باشد (لاوی<sup>۱</sup> و وان دن هات<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ اورنستین<sup>۳</sup>، ایدون<sup>۴</sup> و بالداجینو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰). افزون بر این، سوگیری نسبت به محرک های مربوط به مواد، هیجان مصرف مواد را افزایش می دهد (فرانکن و همکاران، ۲۰۰۰).

راینسون<sup>۶</sup> و بریج<sup>۷</sup> (۱۹۹۳) به رابطه بین وسوسه، حساسیت بیش از اندازه سامانه دوپامینرژیک لیمبیک میانی و افزایش توجه نسبت به محرک های مربوط به مواد اشاره کرده اند. به باور آنها وسوسه و سوگیری توجه، مسیرهای عصبی مشترکی دارند. بنابراین، افزایش سوگیری توجه باعث افزایش وسوسه می شود و برعکس افزایش وسوسه، افزایش سوگیری توجه را در پی دارد. افزون بر این، محرک های مربوط به مواد، سطح دوپامین را به ویژه در شکنج سینگولار<sup>۸</sup> و هسته های بادامی<sup>۹</sup> افزایش داده و توجه فرد را به سوی محرک های مربوط به مواد جلب می نمایند (فرانکن، ۲۰۰۳).

یافته های این بررسی نشان داد که سه گروه در میزان وسوسه با یکدیگر تفاوت معنی دار دارند و افراد وابسته به مواد و افراد مبتلا به عود میزان وسوسه بالاتری را نسبت به افراد ترک کرده نشان دادند. افزون بر این، افراد مبتلا به عود نسبت به افراد وابسته به مواد وسوسه بیشتری را تجربه کردند، اما این تفاوت معنی دار نبود.

به باور راینسون و بریج (۱۹۹۳) افراد وابسته به مواد و افراد مبتلا به عود برخلاف افراد ترک کرده توان نادیده گرفتن نشانه های مربوط به مواد را ندارند. این امر افزایش تمرکز روی نشانه ها را در پی داشته و وسوسه مصرف مواد را افزایش می دهد. افراد وابسته به مواد افیونی و افراد مبتلا به عود نسبت به محرک های مربوط به مواد رفتارهای گرایشی بیشتری را بروز می دهند که این رفتارها با افزایش وسوسه همراه است (نیورا<sup>۱۰</sup>، روهسنو و بینکوف<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۸). از سوی دیگر، افراد ترک کرده برای به پایان رسیدن تکانه های مصرف مواد، رفتارهای اجتنابی بیشتری را نشان می دهند که باعث کاهش میزان وسوسه در آنان می گردد. هم چنین افراد مبتلا به عود بیش از افراد وابسته به مواد با نشانه های مربوط به مواد برانگیخته می شوند؛ بنابراین، میزان وسوسه بیشتری را تجربه کرده و سوگیری توجه بیشتری را نسبت به این علائم نشان می دهند (تیفانی، ۱۹۹۰).

پیشنهاد می شود در بررسی های آینده میزان سوگیری توجه و وسوسه پیش از به کار بردن راهکارهای درمانی و پس از آن ارزیابی شود. در این بررسی امکان کنترل دقیق مدت مصرف و میزان ماده مصرفی توسط افراد وابسته به مواد و افراد مبتلا به عود وجود نداشت. هم چنین انجام بررسی بر روی یک جنس، تعمیم داده ها را به مردان محدود می کند. پیشنهاد می شود در بررسی های آینده هر دو جنس مورد بررسی قرار گیرند.

## سپاسگزاری

از راهنمایی های ارزشمند آقای دکتر محمدعلی گودرزی سپاسگزاریم. از کلیه مسئولین و کارکنان بیمارستان رازی، مرکز بهزیستی کوی زهرا، مراکز بازتوانی و ترک اعتیاد نگین، حیات سبز و کوشش که امکان گردآوری داده ها را میسر نمودند سپاسگزاری می شود. هم چنین، از گروه های شبانه معتادان گمنام (NA) قدردانی می گردد.

دریافت مقاله: ۱۳۸۳/۸/۱۶؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۳/۱۲/۲۳؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۴/۲/۷

- |                      |                    |
|----------------------|--------------------|
| 1- Lavy              | 2- Van den Hout    |
| 3- Ornstein          | 4- Iddon           |
| 5- Baldacchino       | 6- Robinson        |
| 7- Berridge          | 8- cingulate gyrus |
| 9- nucleus amygdalus | 10- Niaura         |
| 11- Binkoff          |                    |

- Anton, R. F., Moak, D. H., & Latham, P. K. (1996). The Obsessive-Compulsive Drinking Scale: A new method of assessing outcome in alcoholism treatment studies. *Archives of General Psychiatry*, *53*, 225-231.
- Beck, A. T., & Clark, D. A. (1993). An information processing model of anxiety: Automatic and strategic processes. *Behavioral Research Therapy*, *35*, 49-58.
- Cepeda-Benito, A., & Tiffany, S. T. (1996). The use of a dual-task procedure for the assessment of cognitive effort associated with cigarette craving. *Psychopharmacology*, *127*, 155-163.
- Drummond, D. C. (2000). What does cue-reactivity have to offer clinical research. *Addiction*, *95* (Suppl. 2), 129-144.
- Drummond, D. C. (2001). Theories of drug craving, ancient and modern. *Addiction*, *96*, 33-46.
- Ehrman, R. N., Robbins, S. J., Bromwell, M. A., Lankford, M. E., Monterosso, J. R., & O'Brien, C. P. (2002). Comparing attentional bias to smoking cues in current smokers, and non-smokers using a dot-probe task. *Drug and Alcohol Dependence*, *67*, 185-191.
- Everitt, B. (1997). Craving cocaine cues: Cognitive neuroscience meets drug addiction research. *Trends Cognitive Science*, *1*, 1-2.
- Franken, I. H., de Han, H. A., Van der Meer, C. W., Haffmans, P. J. M., & Hendriks, V. M. (1999). Cue reactivity and the effects of cue exposure in post-treatment drug users. *Journal of Substance Abuse Treatment*, *16*, 81-85.
- Franken, I. H., Kroon, L. Y., Wiers, R. W., & Jansen, A. (2000). Selective cognitive processing of drug cues in heroin dependence. *Journal of Psychopharmacology*, *14*, 395-400.
- Franken, I. H. (2003). *Cognitive and neuropharmacological processes in human drug craving*, Unpublished thesis, University of Amsterdam.
- Killen, J. D., & Fortmann, S. P. (1997). Craving is associated with smoking relapse: Findings from three prospective studies. *Experimental Clinical Psychopharmacology*, *5*, 137-142.
- Kosten, T. R. (1992). Can cocaine craving be a medication development outcome? Drug craving and relapse in opioid and cocaine dependence. *American Journal on Addiction*, *1*, 230-239.
- Lang, P. J., Bradley, M. M., & Cuthbert, B. N. (1998). Emotion, motivation, and anxiety: Brain mechanisms and psychophysiology. *Biological Psychiatry*, *44*, 1248-1263.
- Lavy, E. H., & Van den Hout, M. A. (1993). Attentional bias for appetitive cues: Effects of fasting in normal subjects. *Behavioral Cognitive Psychotherapy*, *21*, 297-310.
- Lubman, D. I., Peters, L. A., Mogg, K., Bradley, B. P., & Deakin, J. F. (2000). Attentional bias for drug cues in opiate dependence. *Psychological Medicine*, *30*, 169-175.
- McKey, J. R. (1999). Studies of factors in relapse to alcohol, drug and nicotine use: A critical review of methodologies and findings. *Journal of Study of Alcohol*, *60*, 566-576.
- Modell, J. G., Glaser, F. B., Cyr, L., & Mountz, J. M. (1992). Obsessive and compulsive characteristics of craving for alcohol in alcohol abuse and dependence. *Alcohol Clinical Experimental Research*, *16*, 272-274.
- Mogg, K., Bradley, B. P., Field, M., & Houwer, J. D. (2003). Eye movements to smoking related pictures in smokers: Relationship between attentional biases and implicit and explicit measures of stimulus valence. *Addiction*, *98*, 825-836.
- Niaura, R. S., Rohsenow, D. J., & Binkoff, J. A. (1998). Relevance of cue reactivity to understanding alcohol and smoking relapse. *Journal of Abnormal Psychology*, *97*, 133-152.
- Ornstein, T. J., Iddon, J. L., & Baldacchino, A. M. (2000). Profiles of cognitive dysfunction in chronic amphetamine and heroin abusers. *Neuropsychopharmacology*, *23*, 113-126.
- Reid, M. S., Mickalian, J. D., Delucchi, K. L., Hall, S. M., & Berger, S. P. (1998). An acute dose of nicotine enhances cue-induced cocaine craving. *Drug & Alcohol Dependences*, *49*, 95-104.
- Robinson, T. E., & Berridge, K.C. (1993). The neural basis

of drug craving: An incentive-sensitization theory of addiction. *Brain Research Review*, 18, 247-291.

Sayette, M. A., & Hufford, M. R. (1994). Effects of cue exposure and deprivation on cognitive resources in smokers. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 812-818.

Sayette, M. A., Monti, P. M., & Rohsenow, D. J. (1994). The effects of cue exposure on reaction time in male alcoholics. *Journal of Study of Alcohol*, 55, 629-633.

Tiffany, S. T. (1990). Cognitive model of drug urges and drug-

use behavior: Role of automatic and nonautomatic processes. *Psychological Review*, 97, 147-168.

Townshend, J. M., & Duka, T. (2001). Attentional bias associated with alcohol cues: Difference between heavy and occasional social drinker. *Psychopharmacology*, 157, 67-74.

Waters, J., & Feyerabend, C. (2000). Determinants and effects of attentional bias in smokers. *Journal of the Society of Psychologists in Addictive Behaviors*, 14, 111-120.